



شاخص‌های ارتقاء کیفیت فرآیند تدریس و یادگیری در نظام آموزش عالی از منظر فقه اسلامی

مهدی محمدزاده (پژوهشگر، دانشگاه پیام نور تهران جنوب)

Email: doshmane.israel@gmail.com

چکیده:

فقه پویا به عنوان برترین علوم اسلامی نقش بی بدیلی در تبیین شاخص‌های اصلی جهت ارتقاء کیفیت فرآیند آموزش علم (تدریس و یادگیری) دارد. امروزه دانشگاه‌ها به عنوان مراکز اصلی تولید علم در نظام آموزش عالی با توجه به رشد سریع علم و فناوری در تعامل با سایر مراکز علمی و بین‌المللی با چالش‌های بزرگی مواجه هستند که بالا بردن کیفیت آموزش از این چالش‌ها است. هرچند خروجی علم فقه گسترده‌ترین کارکرد را تمام عرصه‌های جامعه اسلامی دارا می‌باشد، لکن هرگز بحث مستقل، جامع و عملی درباب رویکرد فقه در تعیین شاخص‌های ارتقاء کیفیت آموزش علم و بهره‌برداری از آنها عرضه نشده است. نوشتار حاضر با نگاهی فراگیر، شناخت و به کارگیری این شاخص‌ها را در نظام آموزش عالی که در رشد علمی و فرهنگی ایران اسلامی از جایگاه شایسته‌ای برخوردار است را بررسی می‌نماید.

کلمات کلیدی

فقه پویا، آموزش عالی، علم، شاخص، منطقه الفراغ



مقدمه

فقه اسلامی باید‌ها و نبایدهایی مقرر کرده که عمل به آنها انسان و جامعه انسانی را در میسر رشد و تعالی قرار می‌دهد. فقه درحقیقت قوانین عملی مکتب اسلام می‌باشد که از وحی الهی سرچشمه گرفته و با بیان معصومین(ع) تفسیر شده است، دستوراتی که تمام موضوعات زندگی بشر را در بر می‌گیرند. مقام معظم رهبری(ادام... ا. ظله) در تبیین این موضوع می‌فرمایند «فقه ما پویاست، یعنی علاج‌کننده‌ی مشکلات انسان و پاسخگوی حوادث واقعه است، فقاقت یک شیوه برای استنباط و درک احکام الهی و اسلامی است و با این شیوه می‌شود تمام نیازهای بشر را استخراج کرد» [۱]. توضیحات پیش گفته بیان‌کننده هدف این مقاله می‌باشد، ورود فقه به معنای عام و فراگیر خود در بخش‌های مختلف جامعه از جمله آموزش عالی به حقیقت امر راهگشا است. آموزش عالی ایران در گذشته با چالش‌های متعددی مواجه بوده است. گسترش کمی دانشگاه‌ها، کثرت موسسات آموزشی و افزایش تعداد دانشجویان از جمله این چالش‌ها هستند. از همین رو گسترش کمی نظام آموزش عالی به دلیل عدم تبیین الگوهای شایسته و درج شاخص‌های مناسب آموزشی، پژوهشی و فرهنگی کاهش کیفیت نظام آموزش عالی نیز به دنبال داشته است. این چالش‌ها در نظام آموزش عالی ایران منجر شده است که در ساختار دانشگاه‌ها، رسالت، اهداف، کارکردهای آن باز اندیشی گردد، که نمونه تاریخی این تحول در بنیان‌های نظام دانشگاهی ایران در جهت نمایه‌سازی محیط‌های دانشگاهی بر اساس شاخص‌های فرهنگ اسلامی، انقلاب فرهنگی دانشگاه‌ها در دهه اول سال‌های پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

دانشگاه‌ها از مهمترین نهادهایی هستند که جوامع جهت رشد و توسعه به آنها نیاز دارند، جامعه‌ای که مبنای رشد و تعالی خود را پیروی از تعالیم روح بخش اسلام قرار داده است مستثنی از این موضوع نیست، بنابراین دانشگاه جامعه دین مدار باید شاخص‌های دینی را سرلوحه تربیت خیل دانشجویان قرار دهد و به فرمایش معمارکبیر انقلاب اسلامی(ره) «دانشگاه‌ها باید کارخانه انسان‌سازی باشند». اهمیت دانشگاه‌ها و همه سو نگرانی فقه پویای اسلامی مستمسکی است تا الگوهای درخور توجه‌ای جهت ارتقای کیفیت نظام تدریس و یادگیری دانشگاه‌ها مبتنی بر ارزش‌های اسلامی ترسیم نمود که در نوشتار حاضر به برخی از این شاخص‌ها و الگوها اشاره می‌گردد.

۱. تعاریف:

در آغاز بحث و به جهت روشن شدن دامنه پژوهش و همچنین رسیدن به واقع مطلب تعریف واژه‌های کیفیت، تدریس و منطقه الفراغ در حوزه دینی ضروری به نظر می‌رسد چرا که شناخت مفاهیم در تعیین راهبردها نقش مهمی دارند.

۱.۱. کیفیت: صفت، حالت و چگونگی چیزی و میزان مرغوب بودن آن شئی را بیان می‌کند [۲]. همچنین کیفیت در مقابل کمیت نیز استفاده می‌گردد که در این صورت چگونگی و ماهیت یک پدیده را کیفیت آن می‌نامند و که محتوای آن را نیز شامل می‌شود. لذا در موضوع مورد بحث منظور از کیفیت و شاخص‌های ارتقای آن از نقطه نظر فقهی شایستگی چگونگی دستیابی به فضیلت علم است که باعث ارتقای ارزش واقعی علم و نهادینه شدن آن در جامعه می‌گردد در حالیکه واژه کیفیت در سایر حوزه‌ها علمی و عملی مترادف با چگونگی حالت موجود متغییر مورد نظر به کار برده می‌شود.

۱.۲. تدریس: به معنی درس دادن و درس گفتن به کسی آمده است [۳] و در اصطلاح کاربردی بخشی از روند آموزش است که یک رشته کردارهای به سامان و از پیش برنامه ریزی شده را در برمی‌گیرد و هدف آن پیدایش شرایط مناسب یادگیری دانشجو از سوی استاد است البته آن بخش از کردارهای آموزشی که سوای حضور صرف استاد با فراگیران رخ می‌دهد، تدریس گفته نمی‌شود بلکه تعلیم گفته می‌شود. تعلیم در اصطلاح فقهی خود جامع تر از تدریس به کار برده شده و معنای آن عبارت است از یاد دادن حقیقت چیزی به کسی، که این فرایند ساده به دست نمی‌آید و نیاز به



تمرین ممارست دارد [۴]. با دقت نظر در تعاریف فوق پرواضح است رابطه نسبی بین تدریس و تعلیم عموم و خصوص مطلق می باشد و آنچه مورد تاکید منابع دینی می باشد تعلیم است نه تدریس (دقت شود).

از همین رو یکی از بنیان‌هایی که در تعیین شاخص‌ها و الگو برای نظام آموزشی مهم بوده و باید مورد توجه قرار گیرد این است که نظام تدریس در دانشگاه‌ها به سمت نظام تعلیم برود و نوع روابط حاکم بر فضای آموزشی استاد و دانشجو به معنای حقیقی بر این اساس تنظیم شود. این مطلب مورد تاکید فراوان اسلام نیز هست قرآن کریم یکی از اهداف پیامبران بزرگ تعلیم مردم بیان نموده است و در روایات زیادی نیز به این موضوع اشاره دارد که مبنای فرادادن و یادگرفتن تعلیم است.

۱.۳. منطقه الفراغ: برای درک صحیح از بحث منطقه الفراغ باید این نکته را مد نظر قرار داد که «از ویژگی‌های شریعت اسلامی که از بنیان آن جداناپذیر است، کلیت و همسویی آن با تمام شؤون زندگی بشر است. این همسویی تنها از طریق استقرار و کنکاش احکام اسلام به دست نیامده؛ بلکه در مصادر و منابع اسلامی نیز به این کلیت تصریح شده است. بدین سان اسلام دینی است جامع و به فرموده امام صادق (ع) تمام آنچه را که حلال و حرام است و هر مسأله‌ای را که بشر در زندگی خود با آن روبرو می شود، اسلام احکام آن را بیان کرده است [۵]. پس با این توضیح مشخص گردید که منطقه الفراغ ناظر به حوزه‌ای از شریعت اسلامی است که به سبب ماهیت متغیر احکام، دارای عناوین متغیر می باشد و شارع وضع قواعد مناسب با اوضاع، احوال و مقتضیات زمان و مکان را با حفظ ضوابط در چارچوب معینی در هر حوزه و محدوده از مسایل اجتماعی به عهده حاکم جامعه اسلامی قرار داده است. به عبارت دیگر منطقه الفراغ «منطقه‌ای که فارغ از احکام تشریحی ثابت است. حکم کردن در این منطقه، به حاکم و امام واگذار شده است؛ از قبیل اکثر مسائلی که امروز در مجلس شورای اسلامی می‌گذرد مثل روابط دیپلماسی یا مسائل صلح و جنگ یا تنظیم مالیات بردرآمد یا سرانه و امثال آن فراوان است و حکم شرعی مخصوصی در مورد آن نیامده مگر عمومات و احکام کلی که تصمیم‌گیری در این قبیل موارد به حاکم شرع و مجالس استشاری بعد از موافقت حاکم شرع، واگذار شده است» [۶]. مانند این تعاریف از موضوع منطقه الفراغ بسیار مطرح گردیده است که شرح آنها بحث مبسوطی را مطالبه می کند که مجال سخن ما خارج است.

صرف نظر از اینکه شهید آیت ... سید محمد باقر صدر (ره) به عنوان نظریه پرداز منطقه الفراغ آن را در حوزه فعالیت‌های اقتصادی بسط و توضیح داده است لیکن این مبحث منحصر به محدوده اقتصاد و نظایر آن نمی گردد بلکه به اعتقاد اکثر بزرگان دین و فقهای عظام در تمام میدان‌های اجتماعی که نیاز به وضع حکم بر اساس مصالح باشد ورود دارد و مباحث مرتبط با آموزش عالی، تعلیم و تعلم نیز از قاعده مستثنی نیستند. پس به تحقیق برای شکوفای روز افزون علم و کارکرد آن در جامعه و تبدیل شدن دانشگاه‌ها به کانون‌های تولید شکوفایی علمی، آن هم براساس مبنای نظری اسلامی و شایسته‌ی جامعه اسلامی، باید از این ظرفیت بالای احکام مترقی اسلام خصوصاً در حوزه‌ی وضع احکام منطقه الفراغ که امکان مصلحت‌سنجی اجتماعی بیشتری دارد بهره برد و شاخص‌های مناسب را برای رونق علمی دانشگاه‌ها فراروی اساتید و دانشجویان که ارکان آموزش عالی را تشکیل می دهند قرار داد.

۲. تعیین شاخص‌ها:

ارتقای کیفیت تحصیل (تدریس و یادگیری) علم در دانشگاه‌ها از جمله دغدغه‌های هر نظام آموزشی می باشد. نظام آموزش عالی موظف است برای رشد و تعالی همواره با بهره‌گیری از شیوه‌های مختلف و در ابعاد گوناگون، سنجش و ارزیابی علم، فن‌آوری و نوآوری را در دستور کار خود قرار دهد و از اسناد، مدارک و شواهد موجود بهره‌جسته و ضمن شناسایی جایگاه شاخص‌های علم سنجی در سطوح ملی و بین‌المللی، آن‌ها را مورد بررسی و مطالعه قرار داده و به ارزیابی مقایسه‌ای ویژگی‌ها و تفاوت‌های آن‌ها با یکدیگر بپردازد. این بحث مهم در گذشته آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران محجور بوده است ولی به لطف الهی در سال‌های اخیر با تأکیدات داهیهانه مقام معظم رهبری (ادام ... ظلله) جامع‌نگری در این امر مورد توجه مسئولین آموزش عالی قرار گرفته است و گام‌هایی نیز برداشته



شده است که تصویب شاخص‌های ارزیابی آموزش عالی در جمهوری اسلامی ایران مصوب هیات نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۳ و سند نقشه جامع علمی کشور مصوب ۱۳۸۹ از جمله آنها است. به هر تقدیر برداشته شدن این گام‌ها امیدوارکننده بوده و افق روشنی را بر آینده آموزش عالی این مرز و بوم نمایان کرده است. لکن برای رسیدن به اوج شایستگی و بالندگی پایه ریزی تمدن عظیم اسلامی کافی نیست و براساس دورنمای سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ «جمهوری اسلامی ایران با اتکال به قدرت لایزال الهی و با احیای فرهنگ و برپایی تمدن نوین اسلامی، ایرانی برای پیشرفت ملی، گسترش عدالت و الهام بخشی در جهان، کشوری برخوردار از انسانهای صالح، فرهیخته، سالم و تربیت یافته در مکتب اسلام و انقلاب و با دانشمندانی در تراز برترین‌های جهان؛ توانا در تولید و توسعه علم و فناوری و نوآوری و به کارگیری دستاوردهای آن و پیشتاز در مرزهای دانش و فناوری با مرجعیت علمی در جهان» [۷] خواهد شد.

با این توضیح جایگاه ارائه و تعیین شاخص‌های مناسب در ارتقای کیفیت آموزش عالی مبرهن می‌گردد. در همین باره با نگاهی اسلامی به مقوله علم و آموزش در حیطه احکام منطقه الفراغ با تعمیم اصول و قواعد فقهی برای هر یک از ارکان نظام آموزش عالی (دانشگاه، استاد و دانشجو) دو شاخص مهم را که زیر بنای رشد و ارتقای فرایند علمی کشور هستند را بیان و تشریح می‌گردد.

۲.۱. شاخص‌های دانشگاه:

۲.۱.۱. دانشگاه اسلامی: بر پایه قاعده فخر فقهی نفی سبیل که مورد اتفاق همه فقیهان بزرگ اسلامی است کافران در هیچیک از عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی نباید بر مسلمانان تسلط یابند، صاحب‌العناوین روس بسیاری را برای اجرای این قاعده در جوامع اسلامی ذکر و در پایان یادآور شده است شمول این اصل در تمام شئون جامعه اسلامی حاکم است [۸]. به همین جهت دانشگاهی که قرار است دانشگاه اسلامی شود باید در راستای تعالی حرکت کند و اصالت را به رشد معنوی انسان که حقیقتاً خلأ آن در جهان معاصر مشاهده می‌شود بدهد. در حالی که علوم وارداتی سکولار، که توسعه طلب هستند با اسلامیت دانشگاه و اهداف بلند تمدنی که به دنبال آن هستیم، ناسازگار است و موجبات مسلط شدن دشمنان خدا را بر ما فراهم می‌نماید. بنابراین که عنصر محوری دانشگاه، علم است، اگر علم اسلامی شد دانشگاه هم اسلامی می‌شود. آیت الله جوادی آملی در بیان این تلقی می‌فرماید: «اسلامی کردن دانشگاه‌ها به آن نیست که مظاهر و برنامه‌های اسلامی و دینی به محیط و فضای دانشگاه‌ها وارد کنیم... اسلامی کردن علوم در گرو تغییر اساسی در نگاه به علم و طبیعت و تدوین متون درسی سرآمد و صاعد و هماهنگ دیدن حوزه‌های معرفتی و بازگشت طبیعیات به دامن الهیات است» [۹]. وقتی این شاخص در ماهیت دانشگاه به منحصه ظهور برسد به تبع آن کیفیت آموزش عالی نیز ارتقا می‌یابد.

۲.۱.۲. استقلال دانشگاه: اصل فقهی عدم سلطه اقتضا می‌کند که هیچ کس بر دیگری تسلط من غیرحق نداشته استقلال هر کس و هر چیز محفوظ باشد. از آنجا که حق تصرف و سلطه بدون موجبات شرعی و قانونی موجب نقض حقوق و آزادیهای فرد و جامعه است لذا اسلام تا ثبوت حق مشروع تسلط، هیچ سلطه‌ای را مجاز نمی‌شمارد و اصل را بر عدم سلطه می‌گذارد که این امر گویای مفروض گرفتن آزادی و استقلال مشروع است. بدین جهت یکی دیگر از شاخص‌هایی که باعث ارتقای کیفیت آموزش عالی می‌گردد استقلال واقعی دانشگاه و بستر سازی برای آزاد اندیشی و آزاد فکری دانشگاه‌ها است. حضرت امام خمینی (ره) در تلازم اسلامی شدن و استقلال دانشگاه می‌فرماید «معنی اسلامی شدن دانشگاه این است که استقلال پیدا کند و خودش را از غرب جدا کند و خودش را از وابستگی به شرق جدا کند و یک مملکت مستقل، یک دانشگاه مستقل، یک فرهنگ مستقل داشته باشیم» [۱۰].



۲.۲. شاخص‌های استاد

۲.۲.۱. بردباری: استادان به عنوان قشر سازنده جامعه و تربیت‌کنندگان نسل‌های آینده، نقش تعیین‌کننده‌ای در فتح قله‌های عظیم علمی دارند به طوری که دستیابی دانشجویان به دانش‌های نوین مرهون زحمات آنان است. این نقش بی‌بدیل در شرع مقدس اسلام همیشه مورد ستایش قرار گرفته و از آن تمجید شده است. در حدیث شریفی از امیرمومنان (ع) نقل شده است عالم سه نشانه دارد یکی از آنها حلم است [۱۱]. این شاخص در میان همه شاخص‌ها از درجه اهمیت بالایی برخوردار است و اگر فرایند مناسبی در جهت گنجاندن این شاخص به عنوان معیار در ارتقای جایگاه اساتید طراحی شود بسیار تاثیر گزار خواهد بود. نمونه‌های بسیاری در متون اسلامی ما از تاثیر بردباری و فروتنی استاد و عالم بر رفتار طالبان علم و دانش پژوهان وجود دارد که از مجال سخن ما خارج است.

۲.۲.۲. تسلط علمی: از دیگر شاخص‌هایی که باعث ارتقای کیفیت نظام تدریس در دانشگاه‌ها می‌شود تسلط استادان بر مطالب علمی خود و دریغ نکردن آموخته‌های خود از جوینده‌گان دانش است. در حدیث ارزشمندی از وجود شریف رسول خدا (ص) علم آموزی به دانش آموز از نشانه‌های ایمان ذکر شده است، همچنین در بعضی روایات اسلامی دیگر به شدت از مجالست با متظهران به علم منع گردیده و با بیان نشانه‌های آنان راه تشخیص و تفکیک استاد واقعی صاحب علم از غیر آن را هموار کرده است. حضرت علی (ع) در حدیث شریفی می‌فرماید: «متظاهر به علم سه نشانه دارد با برتر از خود به ناروا نزاع می‌کند، به فروتر خود ستم می‌کند و حامی ستمگران است» [۱۲]. قرآن مجید نیز کسانی را که به ظاهر علم دارند ولی از آن بهره‌ای ندارند به حیوان حمل‌کننده کتاب تشبیه کرده است. خلاصه مطلب اینکه این شاخص کاربردی و میدانی است و بیش از همه شاخص‌ها در ترغیب دانشجویان به آموختن موثر بوده و زمینه‌های ارتقای کیفیت یادگیری در دانشگاه را بالا می‌برد. البته جای تعجب دارد در تدوین شاخص‌های ارزیابی نظام آموزش عالی توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی به شاخص‌های کیفی اساتید توجه چندانی نشده است.

۲.۳. شاخص‌های دانشجو:

۲.۳.۱. علاقمند بودن به علم آموزی: اهمیت علم و فراگیری دانش بر هیچ کس پوشیده نیست و هر انسانی فطرتاً علم و دانستن را دوست دارد اما هدایت این گرایش فطری در زمینه‌های مناسب، رشد و شکوفایی حقیقی را به همراه خواهد داشت. فقه اسلامی در آموزه‌های خود یکی از بارزترین نشانه‌های طالب علم را علاقه او به آموختن و حرص او در کسب دانش معرفی می‌کند. امیرمومنان علی (ع) در جمله زیبایی می‌فرماید: «دو گرسنه سیر نمی‌شوند طالب علم و طالب دنیا» [۱۳] از این قبیل احادیث و راهنمایی‌ها در جهت ارائه شاخص در جهت تطبیق نظام آموزشی خود با آن معیارها کم نیست. اگر آموزش عالی براساس علاقه و توانایی‌های متقاضیان به تحصیل علم اقدامات خود را برنامه‌ریزی کند و در استفاده به جا از آنها راهکارهای صحیحی اعمال نماید قطعاً این عطش علم آموزی ارتقای کیفیت آموزش را در بر خواهد داشت، چرا که بی‌رغبتی دانشجو به رشته علمی که در حال فراگرفتن آن است باعث اتلاف عمر و سرمایه‌های ملی گردیده و نتیجه معکوس می‌دهد. باید برای بهبود کیفیت آموزش که فرایند دو سویه تدریس و یادگیری است نحوی‌گزینش دانشجو به سمت انتخاب براساس علاقه، توانایی و شایسته‌سالاری برود.

۲.۳.۲. تکلیف‌مدار بودن: در ابتدا شاید این نکته به ذهن خواننده متبادر شود آشنایی با تکالیف و مسولیت‌ها وظیفه هر انسان عاقلی است ولی در خصوص طالبان علم و دانش پژوهان به جهت اینکه در میسر رشد و تعالی جامعه و فرهنگ تاثیر شگرفی داشته و از خواص میانی جامعه محسوب می‌گردند طور اخص مد نظر قرار می‌گیرد. از یک طرف علم آموزی بر هر مرد زن و مسلمان واجب است که از طرف دیگر بالا بردن توان علمی برای استحکام موقعیت‌های بین‌المللی لازم است لذا اگر دانشجویی در دانشگاه مشغول تحصیل است تکلیف خود را خوب درس خواندن و بالا بردن آگاهی‌های خود بداند دغدغه‌های ارتقا و رشد کیفی دانش پژوهی هم کاهش یافته و نظام آموزشی رو به تعالی حرکت می‌کند.



نتیجه گیری: بهره گیری از توانایی های فقه پویا و بکارگیری دستورات اسلامی در تصمیم گیری های کلان در سطح آموزش عالی منجر به رشد آن می گردد. اگر برنامه ریزی و تدوین طرح های جامع علمی کشور توامان با پیوست های فقهی و فرهنگی باشد و به تفکیک در هر مورد از شاخص ها (که نمونه هایی از آن شاخص ها در بالا ذکر شد) با تطبیق فقهی اتخاذ تصمیم شده و اجرایی گردد بی گمان آموزش عالی و دانشگاه های ما به قله اوج توانایی علمی در جهان خواهند رسید.



منابع و مراجع

- [۱]. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مد ظله العالی) www.khamenei.ir.
- [۲]. عمید، حسن، ۱۳۸۷، فرهنگ فارسی عمید، چاپ سی و ششم، تهران، انتشارات امیرکبیر
- [۳]. همان صفحه ۵۴۰
- [۴]. اصفهانی، راغب، ۱۳۸۷، مفردات الفاظ قرآن، مترجم حسین خداپرست، چاپ اول، قم، نشر نوید اسلام
- [۵]. حسینی، سیدمحمد، ظریفیت نظریه منطقه الفراغ، فصلنامه مطالعات حقوقی، شماره دوم، ۱۳۹۱، صفحات ۱۴۹ تا ۱۷۱
- [۶]. جمعی از پژوهشگران، مبحث منطقه الفراغ، مجله فقه اهل بیت (ع)، موسسه دایره المعارف فقه، قم، چاپ اول، جلد ۲۸ صفحه ۶۶
- [۷]. سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، روزنامه رسمی کشور، چاپ اول
- [۸]. میرعبدالفتاح، الحسینی المراغی، العناوین، ترجمه عباس زراعت، انتشارات جنگل، ۱۳۸۸، چاپ دوم، جلد دوم، صفحه ۲۱۴
- [۹]. فنائی اشکوری، محمد، جایگاه عقل و وحی در هندسه معرفت بشری، مجله علمی پژوهشی معرفت فلسفی، تابستان ۸۸، شماره ۲۴، صفحات ۳۷ الی ۶۶
- [۱۰]. امام خمینی (ره)، وصیت نامه سیاسی الهی، صحیفه نور، مرکز نشر آثار، جلد ۲۱، صفحه ۱۹۴
- [۱۱]. عبدا...، جوادی آملی، مفاتیح الحیاه، مرکز نشر اسراء، چاپ ۴۳، پاییز ۱۳۹۱، صفحه ۳۵۳
- [۱۲]. همان صفحه ۳۵۳
- [۱۳]. امام علی (ع)، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ دوم، ۱۳۸۱، صفحه ۷۳۸